



## نوزدهمین سالگرد استقلال ارمنستان مبارک باد

پاسخ لئون آهارونیان به انتقادات  
انجمن ملی و فرهنگی ارمنه ایران به  
کتاب روزهایی از زندگی طوفانی من

چهل و دومین دوره بازی های ورزشی  
ارمنه ایران

دوهفته‌نامه  
اجتماعی فرهنگی

# هووس

شماره ۸۲، ۲۴ شهریور ۱۳۸۹  
سال چهارم



۱۰ راه مدرسه

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: لئون  
آهارونیان

دبیر تحریریه: روبرت صافاریان  
شورای نویسندگان:

کارمن آذریان، لیا خاچکیان  
آندرانیک خچومیان،  
گارون سرکیسیان،  
آندرانیک سیمونیان

مدیر هنری: لیا خاچکیان

ویراستار بخش فارسی: نسیم نجفی

وب سایت: کاجیک صافاریان

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، بین  
ولی عصر و فلسطین، شماره ۱۰۴۸

تلفن: ۶۶۴۹۵۱۸۰  
۶۶۴۹۲۶۹۳

تله-فاکس: ۶۶۴۹۵۲۰۸

نشانی وب سایت: [www.hoos.com](http://www.hoos.com)

وب سایت فارسی:

<http://farsi.hoos.com>

پست الکترونیکی:

[hoos@inbox.com](mailto:hoos@inbox.com)

## در این شماره

۲	در صفحات ارمنی این شماره
۳	چهل و دومین دوره بازی‌های ورزشی ارمنه ایران
۴	نوزدهمین سالگرداستقلال ارمنستان مبارک باد
۵	تاریخ دو دهه استقلال
۱۰	پاسخ لئون آهارونیان به انتقادات انجمن ملی و فرهنگی ارمنه

## بخش ارمنی

۲	جامعه ارمنه ایران
۳	اختلاف در شورای محله مجیدیه
۷	در ارمنستان خشونت علیه زنان وجود دارد، اما ...
	آنی گاسپاریان
۸	ارومچی: شهر مسلمان نشین چین

## ۱۰ راه مدرسه

۱۱	مهاجرت: مسئله حیاتی ارمنستان
۱۳	دنیای مرموز کلمات پطرس پدیریان
۱۴	آوازه‌های روبن هاخوردیان در ترکیه
۱۶	داستان: چهارمین کتاب ردیف چهارم روبرت صافاریان
۱۸	نام من سرخ: رمان جدید اورهان پاموک
۲۰	۳۳ معدنچی در عمق ۷۰۰ متری زمین
۲۲	عدد فی
۲۴	ورزش

## گوشه‌هایی از آنچه در صفحات ارمنی این شماره هویس آمده است



### سال تحصیلی جدید برای ارمنه ایران

امسال سال تحصیلی جدید برای ارمنه ایران در شرایط متفاوتی شروع می‌شود. در چند سال گذشته تعدادی از مهم‌ترین مدارس ارمنی تهران به دلیل کاهش تعداد دانش‌آموزان بسته شده‌اند. بعد از تعطیلی کوشش و عالیشان، امسال نوبت روستوم بود تا فردا نوبت کدام فرا رسد؟ بیشتر دانش‌آموزان ارمنی که با حضور خود در کوجه‌ها و خیابان‌های نارمک و مجیدیه جلوه‌ای شاداب و زنده به محلات ارمنی‌نشین داده بودند، آینده خود را در ایران نمی‌بینند. برخی از آنها همین یکی دو سال آینده با خانواده‌شان راهی سفر آمریکا خواهند شد و تعدادی دیگر وقتی فارغ التحصیل شدند بار سفر خواهند بست. اما این هیچ از زندگی و شوری که در چشمان‌شان می‌درخشد کم نمی‌کند. آنها به آینده می‌اندیشند و امروز بیش از هر زمان دیگری این آینده مستقل از مرزهاست. امروز بیش از هر زمان کودکان همه کشورها همان برنامه‌های تلویزیونی و فیلم‌ها را می‌بینند و همان بازی‌های کامپیوتری را می‌کنند. دنیا بیش از همیشه کوچک شده و آنچه مهم است شور و هیجانی است که در نگاه و رفتار این بچه‌ها موج می‌زند و انرژی خود را به خیابان‌ها و رهگذران منتقل می‌کند.

### شورایاری محله مجیدیه و معطل ماندن

### انتخابات هیئت رئیسه

همه اعضای اصلی شورای محله مجیدیه ارمنی هستند. از هفت عضو اصلی شورا، چهار تن با حمایت انجمن نائبری انتخاب شده‌اند و سه تن نمایندگان مستقل هستند. اخیراً اختلاف بین دو گروه از نمایندگان بر سر انتخاب هیئت رئیسه شورا به صفحات روزنامه آلیک کشیده شد. موضوع از این قرار است که در روزنامه آلیک روز ۲۳ ژوئن (۲ تیر) مصاحبه‌ای منتشر می‌شود با آرمن اهانجانیان به عنوان رئیس شورای محله مجیدیه. چندی بعد، در شماره ۱۵ ژوئیه (۲۴ تیر) همان روزنامه تکمله‌ای بر این مصاحبه منتشر می‌کند که در آن آرمن اوهانجانیان دلایل معطل ماندن انتخاب هیئت رئیسه شورا را شرح داده است. او می‌گوید که اکثریت شورا با نمایندگان مورد حمایت انجمن نائبری است، در حالی که نمایندگان مستقل که سه نفر هستند می‌خواهند ریاست شورا را یکی از خودشان به عهده بگیرد و چون موفق به این کار نمی‌شوند در جلسات شورا حاضر نمی‌شوند، چون شرط برگزاری انتخابات هیئت رئیسه شورا حضور حداقل پنج نفر از هفت عضو اصلی شورا است. به این ترتیب انتخابات هیئت رئیسه در حالت بلاتکلیف باقی مانده است.

یکی دو هفته بعد، در شماره روز ۲۶ آگوست (۴ شهریور) پاسخ نمایندگان مستقل به سخنان آرمن اهانجانیان منتشر می‌شود. این نامه را آلبرت کوچاریان، رزیک در هوانسیان، واهه خاچاطوریان و وازریک قازاریان امضا کرده‌اند. آنها به تفصیل توضیح می‌دهند که:

چون انتخابات هیئت رئیسه شورا انجام نشده، آرمن اهانجانیان که رئیس شورا در دو سال نخست آن بوده، دیگری مقامی ندارد و معرفی او به عنوان رئیس شورای محله مجیدیه خلاف واقع است.

اما دلیل انجام نشدن انتخابات هیئت رئیسه شورا، بنا بر توضیحات آنها، این است که در آغاز کار شورا توافقی بین دو گروه از نمایندگان به عمل آمده که سال اول رئیس شورا از اعضای فهرست

انجمن نائبری باشد و سال بعد یکی از اعضای مستقل این سمت را به عهده بگیرد. بعد از یک سال، وقتی نوبت انتخابات هیئت رئیسه برای سال دوم فرا می‌رسد، اعضای فهرست نائبری خلف وعده می‌کنند و نمی‌پذیرند که رئیس شورا از میان اعضای مستقل برگزیده شود. اعضای مستقل برای نشان دادن حسن نیت خود می‌پذیرند که آرمن اهانجانیان یک سال دیگر رئیس شورا باقی بماند، مشروط بر اینکه در دو سال بعد، یکی از اعضای مستقل رئیس شورا باشد. اما این پیشنهاد از سوی طرف مقابل رد می‌شود و آنها ناچار می‌شوند دیگر در جلسات شورا شرکت نکنند و هیئت رئیسه جدید هم نمی‌تواند انتخاب شود.

اهانجانیان در بخشی از مصاحبه خود گفته است: «آنها می‌خواهند در انتخابات هیئت رئیسه، رئیس یا نایب رئیس شورا شوند، اما برابر نکته پیش بینی شده در قانون این امر محدودیت دارد، چرا که همان طور که گفتیم از ترکیب هفت نفره شورا، چهار تن با رای مردم انتخاب شده‌اند.» امضا کنندگان این نامه یا نقل این گفته توضیح می‌دهند که هدف به دست آوردن پست و مقام نیست، بلکه واکنش نشان دادن به عدم تعهد طرف مقابل است و به دست آوردن حقوق برابر با توسل به قانون. در قانون برای داشتن سمت ریاست شورای محله شرط داشتن حداقل دپلم متوسطه ذکر شده است. نمایندگان مستقل هر سه از این نظر می‌توانند به این سمت انتخاب شوند، در حالی که از چهار نفر اعضای فهرست نائبری تنها دو نفر واجد این شرط هستند. اما اینکه آقای اهانجانیان می‌گوید چهار نماینده به رای مردم انتخاب شده‌اند، این پرسش را پیش می‌آورد که مگر باقی اعضاء با رای همین مردم انتخاب نشده‌اند؟ آنها فهرست اعضا و رای هر یک را در نامه خود مطابق جدول روبرو ذکر کرده‌اند:

آنها همچنین ذکر می‌کنند که در بخش اول مصاحبه با اهانجانیان، تنها به فعالیت‌های خود او و یکی دیگر از اعضای شورا اشاره شده، در حالی که هر ده عضو شورا در فعالیت‌های آن شرکت کرده‌اند. در این مصاحبه تنها عکس‌های سه تن از اعضای شورا چاپ شده است، در حالی که در دیدار اعضای شورا با مادر شهید، واهه خاچاطوریان و

# برگزاری چهل و دومین دوره بازی‌های ورزشی ارامنه ایران

## خبرگزاری برنا

میلادی (۱۳۲۹ خورشیدی) دارای تیم‌های ورزشی وزنه‌برداری، کوه‌نوردی، پینگ‌پنگ، اسکی، کشتی و پرورش اندام (بدن‌سازی) بوده است. بازی‌های قهرمانی ارامنه ایران و باشگاه ۶۶ ساله آارات در طول سالیان گذشته علاوه بر ترویج ورزش و روحیه همکاری و انسان‌دوستی خدماتی ارزنده نیز به ورزش کشور داشته که به برخی از آنان به اجمال اشاره شد.

تعداد شرکت کنندگان در این جشنواره ورزشی سالانه کشور همواره در نوسان بوده است، اما تحقیقا می‌توان گفت که در اولین دوره از این مسابقات در سال ۱۳۴۳ تعداد ورزشکاران شرکت کننده از شهرهای تهران، تبریز، ارومیه، رشت، اصفهان، شیراز و گرگان جمعاً ۲۱۰ نفر بوده. در طول سالیان گذشته گاه حدود ۲۰۰۰ ورزشکار در پیکارهای ورزشی المپیک ارامنه کشور به رقابت پرداخته‌اند، اما سال گذشته، و در چهل و یکمین دوره از این مسابقات حدود یک‌هزار ورزشکار در رشته‌های ورزشی فوتبال، والیبال، بسکتبال، شنا، تنیس روی میز، تنیس، شنا، و دو میدانی با هم به پیکار برخاستند.

از سال ۱۳۵۶ خورشیدی، به منظور تقدیر از چهره‌ها و رخدادهای ورزشی و اجتماعی هر ساله بازی‌ها به عنوان هر کدام از چهره‌ها یا رخدادهای شاخص نامگذاری شده‌اند. اما امسال با توجه به موفقیت‌های چشمگیر ورزش بانوان ارمنی مخصوصاً در رشته بسکتبال و نیز تقدیر از بانوانی که در عرصه‌های ورزشی و فرهنگی-اجتماعی منشاء خدماتی بوده‌اند، این دوره از بازی‌های سراسری ارامنه کشور به بانوان ورزشکار ارمنی تقدیم شده‌اند.

مراسم افتتاحیه این دوره از مسابقات روز شنبه ۲۰ شهریور در ورزشگاه آارات خواهد بود و مسابقات تا ۲۹ شهریور ادامه خواهند داشت.

باشگاه فرهنگی ورزشی آارات ارامنه، به منظور ارتقاء سطح دانش سلامت جسمانی و تحرک بخشیدن به فعالیت‌های ورزشی ارامنه در کشور و نیز تقویت روحیه ورزشکاری و نوع‌دوستی، از سال ۱۹۶۴ میلادی (۱۳۴۳ خورشیدی) برای برگزاری مسابقات سراسری و سالانه ارامنه کشور اقدام کرد. برگزاری این مسابقات علاوه بر نیات مذکور، به تقویت هرچه بیشتر روحیه همکاری و تعاون و حفظ هویت فرهنگی ارامنه کشور می‌انجامید.

به گزارش سرویس ورزشی برنا، مسابقات قهرمانی ارامنه کشور که به همت باشگاه فرهنگی ورزشی آارات به منظور تشویق ورزشکاران، از سال ۱۳۴۳ به استثناء سال‌های ۱۳۵۷، ۱۳۶۰، ۱۳۶۳ و ۱۳۶۵ که به دلیل تقارن با مسائل مرتبط با انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی و حضور ارامنه و مخصوصاً جوانان ارمنی در جبهه‌ها، شهادت و اسارت برخی از آنان برگزار نگردید، هر ساله به طور مرتب و منظم با حضور عده کثیری از ورزشکاران ارمنی کشور و نیز در سال‌های اخیر با حضور ورزشکاران ارمنی سایر کشورها از جمله جمهوری‌های ارمنستان، لبنان، سوریه، گرجستان، فرانسه، قره باغ و غیره برگزار شده‌اند.

بازی‌های ورزشی ارامنه کشور که به مسابقات المپیک ارامنه ایران نیز شناخته می‌شود، تا سال ۱۹۷۴ (۱۳۵۳ خورشیدی) در محوطه بسیار محدود ساختمان مرکزی باشگاه آارات (خیابان جمهوری اسلامی کوچه نوبهار) و گاه در ورزشگاه‌های گوناگون برگزار می‌شدند. اما پس از پایان عملیات ساختمانی ورزشگاه آارات، رقابت‌های همه رشته‌های ورزشی در قالب مسابقات سراسری ارامنه ایران در ورزشگاه جدیدالتأسیس آارات برگزار شدند.

قبل از آغاز برگزاری مسابقات سراسری کشوری ارامنه، باشگاه فرهنگی، ورزشی آارات، با دعوت از تیم‌هایی از سایر کشورها مسابقات گوناگون ورزشی در رشته مختلف برگزار می‌کرد. باشگاه فرهنگی ورزشی آارات در سال ۱۹۵۰

رژیک در هوانسیان هم حضور داشته‌اند. امضاء کنندگان نامه می‌نویسند که شوراهای محله

آلبرت کوچاریان	تعداد آرا: ۴۳۵
هویک میناس مسیحی	تعداد آرا: ۴۲۶
واحه خاچاطوریان	تعداد آرا: ۳۸۷
ادوارد کشیشیان	تعداد آرا: ۳۸۱
آرا شاهوردیان	تعداد آرا: ۳۶۲
رژیک در هوانسیان	تعداد آرا: ۳۴۷
آرمن اهانجانیان	تعداد آرا: ۳۲۴
هارمیک نظر	تعداد آرا: ۳۰۵
وازیق قازاریان	تعداد آرا: ۲۸۰
غلامعلی مرادی‌نژاد	تعداد آرا: ۲۴۰

ارگان‌های غیردولتی، غیرسیاسی و داوطلبانه هستند. کسانی که به عضویت این شوراهای انتخاب می‌شوند باید منافع عمومی اهالی محله را مورد توجه قرار دهند و شورا را به خدمت‌گرایش‌های سیاسی خاص در نیاورند. در محله مجیدیه، به گفته خود مصاحبه‌شونده پنج تن از اعضای شورا از فهرست یک انجمن انتخاب شده‌اند. اما با توجه به روح اساسنامه شوراهای محله، این بدان معنا نیست که در همه جلسه‌ها و همه تصمیم‌گیری‌های شورا اعضای دیگر باید تابع رفتار ناشی از منافع شخصی یا گروهی آنها باشند.

آنها می‌گویند اهانجانیان که مدعی وحدت و یکدلی است، چرا خود برابر همین اصول رفتار نمی‌کند؟ چرا باید اعضای دیگر شورا، تنها بعد از چاپ مصاحبه از دیدارهای او با قالیباف شهردار تهران باخبر شوند. چرا حتی منشی شورا که باید برابر آئین‌نامه همه نامه‌نگاری‌های شورا را ثبت و نگاهداری کند، در جریان این دیدار نبوده است؟ در پایان نویسندگان نامه با اعلام موافقت خود با این نظر آلپیک که "کجاست روحیه وحدت‌طلبانه ما؟ ... وقتی هدف خدمت به جامعه است، مهم نیست که در یک ارگان چه سمتی داشته باشی؟" همه اعضای شورا را به تأمل در معنای این جمله‌ها دعوت می‌کنند.

# نوزدهمین سالگرد استقلال ارمنستان مبارک باد تاریخ دو دهه استقلال

در روز ۲۱ سپتامبر، جمهوری ارمنستان نوزده ساله می‌شود. دولت بسیار جوانی است که هنوز برای یک زندگی مستقل تجربه می‌اندوزد. استقلال ارمنستان نه تنها نقطه عطفی بود در زندگی مردم ارمنستان، بلکه اهمیتی به‌سزا در روابط میان دیاسپورا و ارمنستان داشت. ارمنستان، میهن ارمنیان، که تا آن زمان واقعیتی رویایی و مبهم بود، و رنجور از بی‌داد بیگانگان، چیزی واقعی و ملموس شد. و اگرچه کشوری مستقل شد، اما پیکار با ناپسامانی‌ها ادامه داشت، و البته که پاره‌ای از این مشکلات هیچ ربطی به بیگانگان نداشت. ارمنستان نیز کشوری بود که هم فقر در آن بود و هم مهاجرت، هم پیکار سیاسی و هم بی‌داد، با این حال مهم این بود که اکنون خود مردم پاسخگوی چیزی بودند که بر سرشان می‌آمد.

در کل در طول نوزده سال گذشته شرایط زندگی در ارمنستان بهبود یافته است. اگر بر نوزده سال استقلال، سه سال پیش از آن را نیز بیافزاییم که جنبش استقلال آغاز شد و به نتیجه رسید، آن‌گاه می‌توان گفت که دو دهه اخیر در زندگی ملت ارمنی سال‌های منحصر به فردی بوده‌اند. در صفحات بعدی رویدادهای مهم این تاریخ بیست‌ساله را خواهیم آورد. آن‌ها رویدادهای واقعی کشوری واقعی است، آکنده از یادهای تلخ و شیرین.



## آغاز جنبش قره‌باغ

فوریه ۱۹۸۸



در ناحیه خودمختار قره‌باغ کوهستانی واقع در قلمرو جمهوری شوروی سوسیالیستی آذربایجان، تظاهرات آغاز شد. اوراقی توزیع شد و درخواست‌هایی منتشر شد که در آن خواستار الحاق قره‌باغ به ارمنستان شده بودند. مجلس قره‌باغ کوهستانی در روز ۲۰ فوریه در نشست فوق‌العاده، رأی به جدایی از آذربایجان و الحاق به ارمنستان داد. همزمان با آن در ایروان، در میدان اپرا، تجمعی ده‌هزار نفری در همیاری با جنبش قره‌باغ برپا شد. حکام اتحاد شوروی رأی مجلس قره‌باغ را مردود اعلام کردند، و پاسخ آن، تظاهراتی بود که در ایروان برپا شد. در روز ۲۴ فوریه «کمیته قره‌باغ» تشکیل شد و در رهبری جنبش استقلال ارمنستان نقشی به‌سزا ایفا کرد. اعضای کمیته قره‌باغ در سال‌های بعد مقام‌های مهمی در جمهوری ارمنستان به دست گرفتند.

## زمین‌لرزه گومری و اسپیتاک

دسامبر ۱۹۸۸

در روز ۷ دسامبر ۱۹۸۸، در ساعت ۱۱:۴۱، شهر گومری و شهر نزدیک آن، اسپیتاک، در چند ثانیه زیر و رو شد. در پی این زمین‌لرزه ۲۵۰۰۰ نفر جان باختند. گومری دومین شهر تولیدی ارمنستان بود که در آن زمان ۲۱۱۰۰۰ نفر جمعیت داشت. به این سان، این بلای طبیعی که در گرماگرم جنبش قره‌باغ فرود آمد، بحران سراسری کشور را ژرف‌تر کرد. از سوی دیگر، این جنبش مردمی که روز به روز گسترده‌تر می‌شد باعث شد که با همبستگی بیش‌تر دست یاری به سوی بلادیدگان دراز کنند.



سپتامبر ۱۹۹۱

## اعلام استقلال، انتخاب لئون ترپتروسیان

اتحاد شوروی عملاً در اگوست ۱۹۹۱ منحل شد، و آن زمانی بود که تلاش برای کودتا از سوی هواداران نظام شوروی در مسکو ناکام ماند. در روز ۲۱ سپتامبر اکثریت مردم ارمنستان به سود استقلال رأی دادند.

در اکتبر ۱۹۹۱ انتخابات ریاست جمهوری ارمنستان برگزار شد و در نتیجه، لئون ترپتروسیان به پیروزی رسید. او نخستین رئیس‌جمهور ارمنستان مستقل بود که با رأی مردم انتخاب شد.

از شرکت کنندگان در انتخابات، ۸۳ درصد به لئون ترپتروسیان، ۷/۲ درصد به پارویر هابریکیان، و ۴/۴ درصد به سوس سرکیسیان، نامزد دانشناکسوتیون، رأی دادند.

لئون ترپتروسیان در محافل بین‌المللی یک چهره دولتی و سیاسی سرشناس بود. فعالیت سیاسی خود را از سال‌های دهه ۱۹۶۰ آغاز کرد و در ۱۹۶۶ برای شرکت فعال در تظاهرات ۲۴ آوریل دستگیر و یک هفته در بازداشت نگاهداری شد. از فوریه ۱۹۸۸ رهبر کمیته قره‌باغ بود، از ماه مه در ترکیب کمیته ارمنستانی جنبش قره‌باغ جای گرفت و منفذترین و مؤثرترین عضو آن شد. در روز ۱۰ دسامبر ۱۹۸۸ همراه دیگر اعضای کمیته قره‌باغ دستگیر شد و شش ماه در زندان ماتروسکایا تیشینای مسکو به سر برد.



## محاصره... روزهای سرد و تاریک

مردم به پا خاسته بودند و با هیجان فریاد می‌زدند: «آری... آری... آری... آری». «آری» به سرنگونی اتحاد شوروی، «آری» به استقلال،

۱۹۹۲-۱۹۹۴

«آری» به تعطیل شدن

کارخانه شیمیایی نائیریت،

«آری» به تعطیل شدن نیروگاه

اتمی. از سوی دیگر جنگ بود و محاصره، و در نتیجه چیزی روی داد که شاید اندک کسانی انتظار آن را داشتند. کشور به یکباره از همه منابع انرژی، از برق و گاز، سوخت مایع و بنزین محروم شد. و آن کشور که غرق در نور بود، در ظلمتی عمیق فرو رفت. داشتن برق و روشنایی، لذتی بود که بسیار کم نصیب مردم می‌شد. و آن‌گاه که زمستان سرد آن کشور کوهستانی فرا رسید، مردم بی‌نواکه بدون وسایل گرمایی مانده بودند، برای ادامه حیات خود به ناچار درختانی را که به دست پدران و نیاکان‌شان کاشته شده بود بریدند و سوزاندند. چه روزهای سرد و تاریکی، چه روزهای دور از تصویری... زندگی غمگین بود و تحمل‌ناپذیر، با این حال، مردم در سکوت خود تاب می‌آوردند، گویی صلیب سنگین بخت خویش را دانسته و آگاهانه بر دوش می‌کشیدند.



## آزادسازی شوشی

در روز ۲ سپتامبر ۱۹۹۱، جمهوری قره‌باغ کوهستانی موجودیت خود را اعلام کرد. در ۱۰ دسامبر فرماندوم برگزار شد و قره‌باغ اعلام استقلال کرد. در روز ۲۵ دسامبر

مه ۱۹۹۲



نیروهای اتحاد شوروی از قره‌باغ کوهستانی بیرون رفتند.

در ۸ مه ۱۹۹۲ نیروهای ارمنی شوشی را آزاد کردند.

ارمنیان در ماه‌های بعد و در طول سال ۱۹۹۳، پاره‌ای مناطق دیگر و نواحی پیرامون قره‌باغ را نیز تصرف کردند.

در ۱۷ مه ۱۹۹۴ وزیران دفاع ارمنستان، آذربایجان و روسیه، و نماینده جمهوری قره‌باغ کوهستانی توافق‌نامه آتش‌بس امضا کردند که تا امروز نیز به قوت خود باقی است، اما هنوز تبدیل به توافق‌نامه صلح نشده است.



## دستگیری گروه «درو»، منع دانشناکسوتیون

دسامبر ۱۹۹۴

در روز ۱۷ دسامبر ۱۹۹۴ هامبارسوم گالستیان، شهردار

سابق ایروان و عضو سابق کمیته قره‌باغ، قربانی ترور شد. در آن زمان چند هفته‌ای بود که شماری از اعضای دانشناکسوتیون با اتهامات گوناگونی چون قتل و جعل اسناد دستگیر می‌شدند. لئون ترپرتوسیان در ۲۸ دسامبر اعلام کرد که نیروهای سرویس امنیتی ارمنستان موفق به کشف سازمانی مخفی به نام «درو» شده‌اند که از سوی دانشناکسوتیون تأسیس شده و دست به قاچاق مواد مخدر و جرایم دیگر، از جمله عملیات تروریستی با هدف بی‌ثباتی کشور زده است. بر این اساس، ترپرتوسیان فعالیت دانشناکسوتیون را در ارمنستان ممنوع کرد. در جولای ۱۹۹۵ محاکمه ۱۲ متهم از اعضای این سازمان، از جمله هراند مارکاریان که از ارمنیان ایران و اکنون عضو بوروی دانشناکسوتیون است، آغاز شد.







مارس ۱۹۹۸

### کناره‌گیری لئون ترپتروسیان

در مارس سال ۱۹۹۸ لئون ترپتروسیان از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد. کناره‌گیری وی در پی اعتراض‌های گسترده به انتخاب دوباره او روی داد. او با اختلاف ناچیزی از واژگن مانوکیان پیش افتاده و انتخاب شده بود، اما هواداران مانوکیان در اعتراض به تقلب جدی در انتخابات دست به تظاهرات زدند. به هر حال، لئون ترپتروسیان در چنان موقعیت ضعیفی قرار گرفت که با انتخابات دوره قبل هیچ قابل مقایسه نبود، لذا برای تقویت موقعیت خود در مارس ۱۹۹۷ روبرت کوچاریان را به نخست‌وزیری برگزید. اما بحران اصلی که به کناره‌گیری ترپتروسیان انجامید پس از اظهارات علنی او درباره حل مسأله قره‌باغ کوهستانی به شیوه گام به گام آغاز شد. او همگان را به واقع‌بینی فرا می‌خواند و از لزوم امتیازدهی سخن می‌گفت. نخست‌وزیر کوچاریان آشکارا با او مخالف بود. حتی هواداران او در مجلس ملی نیز از حمایت وی دست برداشتند و

به عنوان رئیس‌جمهور جانشین وی شد و دو دوره کشور را رهبری کرد.

ترپتروسیان به جای مقاومت که می‌توانست کشور را به بی‌ثباتی و اوضاع خطرناک بکشاند از مقام خود کناره‌گیری کرد. روبرت کوچاریان

### تصرف مجلس ملی

اکتبر ۱۹۹۹

در روز ۲۷ اکتبر ۱۹۹۹ پنج مرد مسلح به مجلس ملی جمهوری ارمنستان حمله کردند و واژگن سرکیسیان نخست‌وزیر، کارن دمیروچیان رئیس مجلس، و چند مقام بلندپایه دیگر را ترور کردند. این رویداد از دوربین مستقر در مجلس فیلم‌برداری شد و نخست از CNN و سپس از دیگر شبکه‌های تلویزیونی پخش شد. تروریست‌ها با مسلسل‌های خود صدها تیر شلیک کردند. در پی این حمله هشت تن از سران کشور قربانی شدند. مجلس تا بمداد روز بعد در تصرف مردان مسلح باقی ماند، سپس آن‌ها خود را تسلیم کردند و به بازداشتگاه



نائیری هونانیان (سرکرده تروریست‌ها) و چهار همدست او بدون حمایت محافل بانفوذ توانسته‌اند دست به چنین کاری زنند. محاکمات پنج تروریست به جای آن که موضوع را روشن کند آن را پیچیده‌تر کرد. تا کنون نیز دقیقاً مشخص نیست که مسؤولان اصلی این اقدام بی‌سابقه چه کسانی هستند. در هنگام آخرین انتخابات ریاست جمهوری، لئون ترپتروسیان بار دیگر مسأله محاکمه ترور ۲۷ اکتبر را پیش کشید و خواستار آن شد که هویت افراد پشت پرده این رویداد افشاء شود.

وزارت امنیت ملی منتقل شدند. دولت مردان از همان آغاز اصرار داشتند که مهاجمان از سوی هیچ کس حمایت نشده‌اند و این اقدام جنایتکارانه تنها مختص این پنج نفر است، اما مردم هیچ‌گاه باور نکردند که

مارس ۲۰۰۸

### انتخاب سرژ سرکیسیان به ریاست جمهوری

در فوریه ۲۰۰۸ انتخابات جدید ریاست جمهوری فرا رسید و می‌بایست دوره ده ساله ریاست جمهوری روبرت کوچاریان پایان یابد. سرژ سرکیسیان نامزد جناح طرفدار دولت بود. از میان دیگر نامزدها، لئون ترپتروسیان با وارد کردن انتقادات و اتهامات تند به حکومت به سرعت از دیگران متمایز شد. انتخابات در ۱۹ فوریه برگزار شد. بر اساس آمارهای رسمی، سرژ سرکیسیان با به دست آوردن ۵۲ درصد آرا در دور نخست بر رقیب خود پیروز شد و لئون ترپتروسیان ۲۱ درصد آرا را به دست آورد. مخالفان به رهبری ترپتروسیان اعتراض سر دادند و رشته بی‌پایانی از تظاهرات و اعتصابات آغاز شد. در شب اول مارس، نیروهای نظامی کشور بر جمع معترضان حمله بردند. ده‌ها نفر زخمی و هشت نفر کشته شدند. مدت یک ماه حالت فوق‌العاده اعلام شد و رسانه‌های خبری در طول این مدت مجبور شدند تنها خبرهای به دست آمده از منابع دولتی را منتشر کنند. اکنون سرژ سرکیسیان به عنوان سومین رئیس‌جمهور ارمنستان رهبری کشور را به دست گرفته است، اما اعتراض‌ها و تظاهرات مخالفت دولت به رهبری لئون ترپتروسیان تا مدت‌ها ادامه داشت.



### ایران، دوست همیشگی ارمنستان

پس از اعلام استقلال ارمنستان، جمهوری اسلامی ایران نخستین کشوری بود که استقلال آن را به رسمیت شناخت. کمی بعد پل ارتباطی ایران و ارمنستان در مقرر گشایش یافت. این پل نقشی مؤثر در پیشرفت روابط دو کشور ایفا می‌کند و تردد ارمنیان ایران به ارمنستان را نیز آسان کرده است. روابط ایران و ارمنستان، بدون توجه به تغییراتی



همچنین بسته به اوضاع ژئوپولتیکی منطقه است، جایی که محور روسیه-ارمنستان-ایران، نقش حیاتی در خنثی کردن برنامه‌های محور آمریکا-ترکیه-آذربایجان دارد.

که در کادر رهبری دو کشور به وجود آمده، همچنان دوستانه و نزدیک است. این نکته تنها به سبب مشترکات تاریخی و فرهنگی دیرین، و

ترجمه: گارون سرکیسیان



## پاسخ به نوشته هیأت مدیره انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران در شماره ۸۱ هویس

لئون آهارونیان

در ابتدا از هیأت مدیره محترم انجمن ملی و فرهنگی ارامنه ایران بسیار متشکرم که زحمت خواندن کتاب مرا کشیده‌اند و این باعث دلگرمی من شده که کتابی را نوشته‌ام که مورد توجه یک انجمن با سابقه ارمنی قرار گرفته است.

در ابتدای نامه، ذکر شده که من گاهی تنها به قاضی رفته‌ام. شایان ذکر است که این جانب به طور شخصی نه با کسی خصومتی داشته‌ام و نه دعوی‌ای را مطرح کرده‌ام که به قاضی رفتن و قضاوت منجر شده باشد. بر حسب وظیفه‌ای که برای بقاء حقوق اقلیت شریف ارمنی که قرن‌ها در کشور ایران سکنی دارند برای خود قائل بودم، و با آشنایی با جوهای انقلابی که در تاریخ دنیا مذکور است، کاری را به عهده گرفتم و تا آن‌جا که در توانایی من بود با دوستان خود از حقوق قانونی و مدنی اقلیت ارمنی دفاع نمودیم و برای آشنایی مقامات جدید دولت انقلابی با مسائل اقلیت ارمنی، هماهنگی‌های لازم را به عمل آوردیم.

نوشته‌های من در دو جلد کتاب خاطراتم "رمان نویسی و داستان‌سرایی" نیست، بلکه اتفاقات حقیقی است که در طول ۷۲ ماه کارکرد گروه ما اتفاق افتاده، و من با شاهد گرفتن روزنامه‌ها و نوشته‌های گوناگون آن زمان به تحریر در آورده‌ام. هیأت مدیره محترم انجمن فرهنگی ارامنه باید اصل مهمی را در نظر بگیرند و آن اصل زمان است. بیش‌تر حوادث مورد بحث، سی سال و در بعضی از مواقع قدری کم‌تر از سی سال قبل اتفاقاتی افتاده است. آن روزها اکثر اعضای هیأت مدیره آن انجمن جوانانی با خلق و خوی انقلابی بودند و با ایجاد یک انجمن جدید در جامعه ارمنی می‌خواستند خودی نشان دهند و با افکار انقلابی خود جلب نظر و

جلب طرفدار برای خود نمایند و اکنون که همگی با موهای فلفل نمکی به گذشته می‌نگرند می‌خواهند خود را از کارهایی که در دوران بعد از انقلاب انجام داده‌اند مبرا، و دیگران را مقصر قلمداد کنند. این عریض بنده در نامه هفت صفحه‌ای شما کاملاً روشن است، با وجود این، به مسائلی که مطرح کرده‌اید یک به یک جواب می‌دهم:

۱. از این که انجمن شما پیروی از جانشین تمام ارمنیان جهان را تکلیف خود می‌داند، امری که برای همه واضح و روشن و به حق است، خوشحالم. هر فرد ارمنی که قدری به تاریخ ملت ارمنی آشنایی داشته باشد، نمی‌تواند منکر این واقعیت شود که وجود و بقای ارامنه و جمهوری ارمنستان امروز، از برکات اجمیادزین مقدس است. من فکر نمی‌کنم کسی شما را از این بابت شمتات کند که انجمن شما پیرو اجمیادزین است. اکثریت ارامنه دنیا تابع کرسی اجمیادزین هستند، زیرا آن برترین است.

۲. آن‌چه را که مربوط به زنده‌یاد آقای هرایر ماروخیان بوده در کتابم به صراحت و روشنی شرح داده‌ام و اثرات خوب مسافرت ایشان به جمهوری اسلامی ایران را هم ذکر کرده‌ام. باز هم تکرار می‌کنم که مسافرت ایشان به ایران برای ارامنه ایران بسیار مفید بود.

۳. انتخابات اردیبهشت ۱۳۵۹ یکی از آزادترین انتخاباتی بوده که در جامعه ارامنه تهران و شمال به وقوع پیوست. از هرگونه اشخاص با افکار متفاوت سیاسی در انتخابات شرکت کردند و انتخاب شدند. به نظر من در آن موقع انجمن شما وجود نداشت یا اگر هم بود، تازه به دنیا آمده بود. شما نمی‌توانید از جانب انجمن و همفکران خود، از بابت انتخابات گله‌گذاری کنید، زیرا ارامنه شریف

تهران با فکر و درایت در رأی‌گیری شرکت کردند و نمایندگان خود را هم انتخاب نمودند. کشور، تازه از یک جو شدید انقلابی داشت رو به آرامش می‌رفت که انتخابات برگزار شد. شما نمی‌توانید انتخابات ارامنه آن زمان را زیر سؤال ببرید، زیرا آن نیاز جامعه بود. ۵۶۰۰ رأی هم در مقایسه با سابقه چندین انتخابات داخلی، رأی خوبی است.

۴. آیا اسامی انجمن‌های ارامنه آن روز که در صفحه ۵۳۹ نوشته‌ام، خلاف واقع است؟ اکنون از این انجمن‌ها چند انجمن باقی مانده؟ اگر تمام افراد و اعضای این انجمن‌های آن‌روزی را جمع می‌کردید به نصف اعضای انجمن ورزشی و فرهنگی آارات هم نمی‌رسید. این امر از رژه گشایش بازی‌های ورزشی هر ساله ارامنه ایران در شهریور ماه در ورزشگاه آارات در به روشنی واضح بود. چند نفر دور هم جمع می‌شدند و یک انجمن تشکیل می‌دادند و به آن‌ها یاد می‌دادند برای رشد و اظهار وجودشان باید به خلیفه‌گری حمله کنند و بدگویی نمایند.

۵. من ۷۲ ماه با گروه شورای خلیفه‌گری ارامنه تهران همکاری داشتم. در این مدت هیچ وقت از کسی نپرسیدم به چه حزبی تعلق دارند. طبق دستور جلسه و نیازهای روز، برای دفاع از حقوق ارامنه و آزادی مدارس ارمنی و تدریس کتاب دینی به زبان ارمنی و آن‌چه که متعلق به جامعه ارامنه بود، کار می‌کردیم و از این امور دفاع می‌نمودیم. ما برای هیچ حزب خاصی کار نمی‌کردیم.

۶. برای آن‌چه در صفحه ۴۴۶ کتابم آمده است، مرا کاتولیک‌تر از پاپ دانسته‌اید. باید ذکر کنم که این دو موضوع اصولاً با یکدیگر ارتباطی ندارند. شما از برگزاری راهپیمایی ۲۴ آوریل صحبت می‌کنید و



آن را تبدیل به سلاح تبلیغاتی به نفع انجمن خودتان می‌نماید. آیا انجمن شما جزء انجمن‌های شناخته شده و مورد قبول خلیفه‌گری بود و آیا ما آمده‌ایم شما را نادیده گرفته‌ایم و نگذاشته‌ایم انجمن‌ها متحد شوند؟ آیا من به دروغ در مصاحبه تلویزیونی از دعوت سی‌ودو انجمن صحبت کردم؟ اگر انجمن شما دارای بایگانی باشد، کافی است اعلامیه‌های زهرآگین آن دوره را بخوانید و مسائل را تجزیه و تحلیل نمایید تا برای تان مسائل روشن شود. شما حتی صلاح ندانستید در این نامه هفت‌صفحه‌ای ذکری از آن‌ها بنمایید. من البته در جای خود به آن‌ها اشاره خواهم نمود.

۷. من اگر مواضع خود را که تندتر از دانشکده‌ها بوده اعمال کرده‌ام، لازم شرایط آن روز بود و اگر قدری کوتاه می‌آمدم چنان ضربتی می‌خوردیم که معلوم نبود چه به سرمان می‌آمد. و ضربت از خودی می‌خوردم نه از دولت انقلابی.

خدا را شکر که در آخر صفحه دوم نامه شما در مجله هویس، از انتخاب من اظهار رضایت فرموده‌اید.

۸. ملاقات‌های شما را با مرحوم اسقف اعظم آرداک مانوکیان اصلا به یاد ندارم. اگر چنین ملاقات‌هایی هم بود، حتما اسقف اعظم به من می‌گفت. ممکن است ملاقات‌های شما مربوط به خلیفه‌گری نبوده، ملاقات ادبی بوده که من به این مسائل کاری نداشتم. اسقف آرداک مانوکیان همیشه همه‌جا می‌رفت و یکی از بهترین خاصیت‌های اخلاقی ایشان این بود که می‌گفت من پیشوای ارمنه تهران و شمالم و نه پیشوای عده‌ای خاص. این گفته ایشان در عروسی یکی از مخالفین سرسخت خلیفه‌گری را در کتابم به تحریر در آورده‌ام. تشکر می‌کنم از این که از صفات خوب اسقف مانوکیان در نامه ذکر نمودید. در این رابطه با هم همفکر هستیم.

۹. نمی‌دانم اصلا ترورهای اصفهان چه ربطی به کتاب من دارد؟ چرا این موضوع را مطرح کرده‌اید؟ چه چیزی را می‌خواهید ثابت کنید؟ می‌خواهید طرف مخالف خودتان را محکوم کنید؟ من هر بار که با رؤسای انجمن شما صحبتی کرده‌ام این مسأله را مطرح کرده‌اند. من اصلا شخصی به نام هراچ همبرچیان را نمی‌شناختم، از ترور ایشان هم خبری نداشتم، اگر هم در آن روزها چنین چیزی دانسته بودم، چه اجباری داشتم که از چیزی که اطلاع نداشتم و از قتلی که اتفاق افتاده و نه قاتل آن معلوم است و نه علت آن، در کتابم کسی را محکوم کنم؟ و شما اکنون انگ سرپوش گذاشتن بر ماجرا به من می‌زنید و مرا شریک جرم می‌دانید. اگر می‌دانستم، بنا بر اخلاق ذاتی من که ضد خشونت و

برادرکشی است، آن قتل را محکوم می‌کردم، ولی شما دارید با ذکر این مطالب در نامه خود، از آن استفاده تبلیغاتی می‌نمایید.

شما که خود را از دوستان و پیروان ارمنستان شوروی می‌دانستید آیا می‌دانید که بهترین فرزندان کشور ارمنستان به دست رژیم کمونیستی ارمنستان شوروی نابود شدند: یقیشه چارنس، خانجیان، میاسنیکیان، بارویر سوگ و ...

حالا این اسامی را جمع کنید و با کارهای طرف مقابل مقایسه کنید، ببینید کدام یکی شاگرد اول می‌شود.

انتقاد از کتاب بسیار خوب و مفید است، ولی تهمت‌ها و اتهامات نابه‌جا زدن مورد قبول هیچ‌کس نیست.

بس است دیگر. امروز جامعه ارمنه یک ارمنستان مستقل و آزاد دارد. اکنون کشور ارمنستان دارای دولت ثابت، مجلس، رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر با تمام ارگان‌های کامل یک کشور آزاد است. گذشته‌ها را فراموش کنید، این حرف‌ها جز ناراحتی و کدورت، هیچ چیز دیگری را به بار نخواهد آورد.

۱۰. وزارت محترم کشور بارها و بارها از دادن اجازه‌نامه برای راهپیمایی ۲۴ آوریل به خلیفه‌گری امتناع می‌ورزید و حتی یکی از سال‌ها هم اجازه‌نامه راهپیمایی را به نام شخص من صادر کردند و مرا مسؤول تمام اتفاقات دانستند. حالا این حرف‌ها چه ربطی به کتاب من دارد؟ خودتان در نامه نوشته‌اید که "اما چیزهایی هست که واقعا شما اطلاع ندارید". اعضای هیأت مدیره انجمن شما تحصیل کرده و دنیادیده هستند، اگر مسؤولیت راهپیمایی را قبول می‌کردید، یا کسی شرکت نمی‌کرد و یا با عده‌ای بسیار قلیل شرکت می‌کردند و یک بدنامی برای انجمن تان باقی می‌ماند. دیگر احتیاجی نیست پس از سی سال متنی بر خلیفه‌گری بگذارید که اجازه راهپیمایی را به آن‌ها بخشیدید.

۱۱. گفته‌های آقای دکتر هراچ خاچاطوریان بسیار منطقی و به‌جا بود و بالاخره ایشان منتخب یک عده کثیری از ارمنه بودند و اگر ایشان عرق ملی و ارمنی‌گری نداشت کسی به ایشان رأی نمی‌داد. ولی نوشته و گفته‌های ایشان چه ارتباطی به کتاب من دارد؟ من از کجا می‌دانستم که آقای دکتر خاچاطوریان اظهارات پُر بار و معنی‌داری گفته و نوشته‌اند؟ شماها که ماشاالله دست به چاپ و پخش اعلامیه‌های گوناگون خوبی داشتید، چرا این مسائل را در هفته‌نامه پونیک درج نکردید؟ این طوری برای خودتان، انجمن تان و دکتر هراچ کسب وجهه می‌شد. چرا این کار را انجام ندادید؟ ۱۲. درباره داستان‌های حزب دانشکسیون

باید بگویم که بنده راجع به این مسائل که از نظر من پیش پا افتاده و غیبت‌گویی است، حرفی نداشتم و اگر هم داشتم هیچ وقت در کتابم به قلم نمی‌آوردم. اما در مورد آن‌چه که در تعطیل کردن روزنامه آلیک انجام داده‌اید باید بگویم بزرگواری کرده‌اید، ولی خودتان هم می‌دانید که کار دیگری عملی نبود.

غیبت‌گویی و این‌گونه یادآوری‌ها کار کسانی است که در زندگی خود هیچ‌گونه کار مثبتی انجام نداده‌اند و با کوچک‌ترین کارها خود را قهرمان ملی قلمداد می‌کنند. کتاب من جای این‌گونه درخواست‌ها نمی‌توانست باشد و من نمی‌توانستم کتابم را خادم افکار شما بنمایم.

۱۳. اما در مورد مطالب صفحه ۶۵۸ کتابم.

من در کجا از قدرت‌های بیگانه چیزی نوشتم؟ یک پیشنهاد به من شده بود، من هم آن را به قلم آوردم و نظرات خودم را هم نوشتم. حالا شما لطفا دوباره آن صفحه را بخوانید و دیگر قدرت‌های بیگانه و غیره را مطرح نفرمایید، و اصولا این امر به شما که یک انجمن ملی فرهنگی هستید، چه ربطی دارد؟ آیا پس از سی سال تازه دارید برای شورای خلیفه‌گری دلسوزی می‌نمایید؟

۱۴. آن‌چه را که راجع به مرحوم آقای خانتس نوشته‌ام صددرصد صحیح است و آن‌چه شما در نامه تان نوشته‌اید صددرصد ساختگی است. حالا شما از حضور دو نفر یا سه نفر یا ده نفر صحبت می‌کنید و ایراد می‌گیرید، اما این مهم نیست، مهم صحبت‌های رئیس یک انجمن ملی فرهنگی با سن بالا است که در وزارت کشور با داشتن خصومت بر علیه یک حزب سیاسی، علیه دانش‌آموزان ارمنی که برای بقای مدرسه ارمنی و دروس ارمنی اعتصاب کرده بودند صحبت می‌کنند. آقای خانتس حرمت‌شکنی کردند و حرمت و غرور آن نوجوانان را لگدمال کردند. اما درباره آن اعلامیه که خودتان آن را منطقی می‌دانید. من در کتابم آن را جزء به جزء مورد بررسی قرار داده‌ام، در حالی که شما درباره آن کلی‌گویی کرده و آن را "کاملا منطقی و جسورانه و قابل تقدیر" دانسته‌اید. آیا جز خودتان کس دیگری هم این نوشته‌ها را مورد تأیید قرار داده است؟

آیا در انجمن شما یک نفر جامعه‌شناس و یا کسی که به اصول اداره مدارس آشنا باشد نبود که این‌گونه اعلامیه‌ها و پیشنهادات بی‌معنی و توخالی را در رابطه با مدارس ارمنه مطرح می‌کردید. پیشنهاداتی که صددرصد بوی شعارهای انترناسیونالیستی می‌داد و محیط مدارس را زهرآگین می‌نمود و حالا پس از سی سال خود را طرفدار خلیفه‌گری و اسقف اعظم آرداک مانوکیان قلمداد می‌نمایید و می‌خواهید همه آن اعلامیه‌ها



را با این نوشته‌های بی‌پشتوانه خود به فراموشی بسپارید.

مرحوم آقای خانتنس نشان درجه همایونی گرفته، اما این نه برای من مهم بوده است و نه برای کسانی که در کار مدارس ارامنه بوده‌اند و چیزی را ثابت نمی‌کند. ایشان یک کارمند فنی در اداره ساختمانی وزارت دارایی بوده، کار کرده، تقدیر هم شده و این کارشان با مدارس ارامنه اصلا ارتباطی ندارد.

در جای دیگر در نامه مرقوم فرموده بودید که آقای خانتنس، که اکنون در قید حیات نیست، به اسقف، که او هم در قید حیات نیست، گفته است که من حاضرم برای باز گذاشتن مدارس ارمنی حتی به پاپوس شیطان هم بروم. اعلامیه‌های آقای خانتنس یا انجمن ملی کاملا خلاف این ادعاست. حالا سؤال من از شما انجمن ملی و فرهنگی ارامنه که بنا به نوشته‌تان شورای خلیفه‌گری را هم قبول دارید این است که چرا یک بار طی نامه‌ای درخواست ملاقات با شورای خلیفه‌گری را نکردید و شروع به پخش اعلامیه و هتاک‌های نمودید؟

۱۵. من احتیاجی ندارم که جواب نوشته‌هایم را پخش کنم. من عین حقایق را در کتابم نوشته‌ام و هیچ‌گونه سندسازی هم نکرده‌ام. مجله هویس با موافقت من نامه شما را به طور کامل به چاپ رسانده و من هم جواب شما را در همین مجله می‌دهم.

۱۶. این درست نیست که راجع به دکتر هراج در کتابم چیزی نوشته‌ام. آن‌جا که لازم بوده و ایشان هم حضور داشته‌اند، من درباره‌شان نوشته‌ام. باید بدانید که ایشان نماینده ارامنه جنوب ایران بودند، در حالی که در تهران ما همیشه با نماینده شمال ایران رابطه داشتیم. درباره دکتر هراج بگویم که من خیلی احترام ایشان را دارم و ایشان را یک شخص بسیار متین و درست و با مرام و مردمی و وطن‌دوست می‌دانم. اگر به صفحات نوشته‌های من با بی‌غرضی نگاه کنید می‌بینید که بنده از آقای آرداوازد باغومیان هم زیاد چیزی ننوشته‌ام. در مورد باغ کشمش، آقای خالاتیان بودند که از حضرت آیت‌الله منتظری توسط پسرشان محمد منتظری وقت گرفته و با هم نزد ایشان رفتیم. برای رسیدن به خدمت آیت‌الله خامنه‌ای هم خود خلیفه‌گری اقدام نمود و برای ملاقات با آیت‌الله شهید بهشتی هم از سوی شورای خلیفه‌گری تقاضای ملاقات نمودند و آقای دکتر هراج در این موارد اصلا دخالتی نداشتند.

در مورد باشگاه آارات هم بنده به یاد ندارم که آقای هراج انجام داده باشند، اگر هم بوده من بی‌اطلاعم.

این که اولین بار دکتر هراج در مجلس شورای اسلامی راجع به ۲۴ آوریل صحبتی داشتند، این را تازه از نامه شما مطلع شدم. حالا چه کسی وقت به او داده، چه کسی وقت گرفته را نمی‌دانم. بنده نه قدرت دریافت چنین اطلاعاتی را داشتم و نه جزء موضوعات کتابم بود. بنده به کسی انگ سیاسی نزده‌ام. آن موقع، به گفته خودتان و چنان که در نامه‌تان هم نوشته‌اید، دکتر هراج خاچاطوریان گفته است ارامنه یا این طرفی هستند و یا آن طرفی. برای همه روشن بود و هست که انجمن شما کدام طرفی بوده و شورای خلیفه‌گری کدام طرفی و آقای ناچی، نماینده کلیمیان، کدام طرفی و نماینده آشوری‌ها کدام طرفی. حالا با گفته‌های شما آن طرفی بودن‌ها زدوده نمی‌شود. این مسأله‌ای است که همه می‌دانند. از نظر من کسی که پای‌بند عقیده سیاسی معینی باشد شخص بسیار محترمی است و این موضوع عیبی ندارد. ده‌ها نفر از دوستان من آن طرفی بودند. در آن زمان ایدئولوژی آن‌ها در دنیا فراگیر بود، این انگ نیست، یک واقعیت است. اگر از این نوشته‌ها کسی ناراحت می‌شود، پس چرا خود را در جامعه به داشتن این عقیده و ایدئولوژی شناسانده است؟ و من در این مسأله هیچ‌گونه ناراحتی وجدانی ندارم و نخواهم داشت، زیرا حقایق را بیان نموده‌ام.

۱۷. شما راجع به دعوت آقای دکتر هراج خاچاطوریان از هشت انجمن به تالار وحدت یاد نموده‌اید. شما که به وحدت ارامنه اعتقاد داشتید، چرا آقای خاچاطوریان از انجمن سپیان یا آارات دعوت به عمل نیاروده بود؟ پس این خود یک عمل جدایی‌طلبی بود که در آن زمان بر حسب دلخواه مسؤولین انجمن‌ها و سرکردگان اتفاق می‌افتاد.

۱۸. من در جلسه خلیفه‌گری اصلا نمی‌دانستم که ارامنه حاضر در جلسه چه کسانی هستند، بعد آقای تورگوم درهاکوپیان نایب رئیس شورای خلیفه‌گری به من گفت. من هم وقتی که فهمیدم یکی از آن افراد همان گروگان‌گیر خلیفه‌گری است، به عنوان اعتراض جلسه را ترک نمودم. در آن‌جا نه نماینده آقای دکتر هراج مطرح بود و نه

که مردم را ما آورده‌ایم و یا شما آورده‌اید. یک جشنی که در سالن اجرا می‌شود، از کجا می‌دانید جمعیت حاضر را چه کسی دعوت کرده و یا به زور آمده‌اند؟ برای من جالب این بود که فقط در آن روز گفته می‌شد که نماینده ارامنه، به طور رسمی فقط

شورای خلیفه‌گری ارامنه به رهبری اسقف اعظم آرداک مانوکیان است، و نه آدم‌های ناشناس و مقام‌های ساختگی شما. اکنون که در این نامه خود را طرفدار خلیفه‌گری می‌دانید، پس چرا آن روز طبق این نامه در زمره آن طرفی‌ها در آمدید و به نوشته‌های من در کتابم هم اعتراض می‌کنید.

در جایی از شورای خلیفه‌گری تعریف می‌کنید و در جای دیگر می‌نویسید تبعیت از کرسی‌های سه‌گانه ایران از حوزه آنتیلاس برای شما بسیار ثقیل است و قبولش ندارید. مگر شورای خلیفه‌گری تهران جزء حوزه آنتیلاس نیست؟ آیا شما قبول دارید که با جنگ و جدال‌های داخلی جامعه ما دچار تفرقه و به چند فرقه تقسیم می‌شد؛ مثل بعضی از کشورهایی که ارامنه در آن‌ها دچار تفرقه هستند و فرقه‌های مختلف آن‌ها به سر و کله همدیگر می‌زنند. ما ارامنه ایران که سالیان دراز با همزیستی و مدارا کردن توانستیم با این طرفی‌ها و آن طرفی‌ها با دوستی و برادری زندگی کنیم، حتماً بایستی از جدایی پرهیزیم.

۱۹. شما نیاز به بدگویی از کسی نداشتید. شما دستگاه چاپ اعلامیه‌های زهر آگین را داشتید که از هر بدگویی‌ای بدتر بود. چند تا از آن‌ها را بخوانید، جواب خودتان را خواهید یافت. سؤال من از شما این است: حالا هم که اوضاع عوض نشده، خلیفه‌گری همان است که بود، چرا حالا آن را یک‌ه‌تاز قلمداد نمی‌کنید؟ شما قانونا و دوستانه توانستید در انتخابات شرکت کنید و کرسی در مجلس نمایندگان و شورای خلیفه‌گری به دست آورید. چه اتفاقی می‌افتاد اگر آن موقع هم همین سیاست را اتخاذ می‌کردید؟

۲۰. در نامه‌تان ذکر کرده‌اید: "آن‌ها چون سیاست یک‌ه‌تازی شماها را دیدند، عاجزانه می‌خواستند با کمک و پشتیبانی نهادهای دولتی به جایگاه‌شان در جامعه ارمنی برسند."

آیا این خواسته شما اصولا معقول و قابل پذیرش است که دولت در کارهای اجتماعی یک اقلیتی دخالت کند و یک عده‌ای را که با زور و اعلامیه‌پراکنی می‌خواهند جایگاهی برای خود به دست آورند، بر مسند بنشانند. آیا این‌گونه جایگاه‌ها برای شما پذیرفتنی بود؟ شورای خلیفه‌گری در روزنامه آلیک آن زمان چندین بار از ارامنه تهران تقاضای همکاری نمود و متأسفانه فقط یک نفر به این تقاضا جواب داد و او هم سال‌ها در کارهای خلیفه‌گری صادقانه خدمت نمود. اشاره فرمودید که در افتتاح کلیسای گریگور لوساواریچ در مجیدیه آقای خالاتیان غایب بود، چون خاچاطوریان حضور داشت و سخنرانی کرد. از نظر من این مسأله به کتاب من اصلا ربطی ندارد.

آقای خالاتیان به هزار دلیل موجه ممکن است امکان آمدن را نداشته و آمدن دکتر خاچاطوریان هم درست نبود، زیرا تهران و کلیسای گریگور مقدس حوزه انتخاباتی ایشان نبود و اگر این کار را بدون اجازه آقای خالاتیان کرده بود کار بسیار ناپسندی بود. مضافاً من در آن روز در آن مراسم شرکت داشتم. احدی غیر روحانی صحبت نکرد، چون مراسم داخل کلیسا بود که غیر روحانی در آنجا اجازه صحبت ندارد.

۲۱. آقای واهگن کیست؟ طبق نوشته شما، نوشته‌های من در کتابم راجع به آقای واهگن که اسم فامیلش را هم نمی‌دانم تماماً بی‌اساس و غیر منطقی است. اما بنا به نوشته خودتان، این آقای که چهل سال در کشور آلمان در شهر الدنبرگ بود، چگونه یک‌باره در تهران ظهور کرد؟

می‌نویسید به عنوان انجمن شما آدرس داشتید، هیأت مدیره داشتید و اساس نامه (که آن هم فرهنگی و ورزشی است)، اما هیچ‌کدام از این عوامل دلیل بر بی‌اساس بودن نوشته‌های من نیست. نوشته‌هایم را به طور خلاصه تکرار می‌کنم: آقای بابیک توماسیان و خانم ژانت لازاریان دلسوزانه آمدند به من گفتند بهتر است به جای دعوای لفظی (در آن زمان هنوز اعلامیه پرانکی انجمن شما شروع نشده بود)، فقط آقای مهندس واروژ کورقیان (نمی‌دانم او هم به طور قاچاق و بی‌اجازه در جلسات شورای خلیفه‌گری شرکت می‌کرد یا نه) بیاید بنشینید با هم صحبت کنید و همکاری کنید. من این پیشنهاد را در جلسه هیأت مدیره شورای خلیفه‌گری مطرح نمودم، مورد قبول واقع شد و قرار شد که من به اتفاق آقای تورگوم درهاکویپان، نایب رئیس شورا، در جلسه شرکت کنم. محل ملاقات هم در دفتر کار من بود. روز مقرر آقای توماسیان، خانم ژانت لازاریان و دو نفر از انجمن شما آمدند. یکی از آن‌ها را به قیافه می‌شناختم. دیگری جوانی بود با صورت زیبا و شاداب.

حالا کدام قسمت از این حرف‌ها کذب است؟ خدا را شکر سرکار خانم لازاریان هم زنده هستند می‌توانید صحت و سقم عرایض مرا از ایشان بپرسید. روز دوم آقای توماسیان و خانم لازاریان در جلسه شرکت نکردند فقط من بودم با آقای تورگوم درهاکویپان از خلیفه‌گری و دو نفر هم اشخاص فوق‌الذکر از انجمن شما. بالاخره با هم به یک توافق رسیدیم و بنا باشد که نوشته‌ای بنویسیم و امضاء کنیم. آقای واهگن که متکلم وحده بود گفت من اجازه امضای این توافق‌نامه را ندارم، باید در جلسه حزب مطرح شود و اجازه بگیرم و سپس امضاء کنم. گفتیم ببخشید، شما از کدام حزب صحبت می‌کنید؟ پاسخ دادند حزب توده ایران. من

هم گفتیم عذر می‌خواهم، شورای خلیفه‌گری با یک حزبی که مرام انترناسیونالیسم داشته باشد قرارداد همکاری امضاء نخواهد کرد و جلسه خاتمه پیدا کرد.

آنچه درباره خصوصیات آقای واهگن به تحریر آورده‌ام، چیزهایی است که از دوستان و همفکران شما شنیده‌ام و گفته‌های آن‌ها را من منعکس نموده‌ام. او را به عنوان یکی از برجسته‌ترین مأموران K.G.B در آلمان شرقی به من معرفی کرده‌اند که هر وقت در هر گوشه دنیا خبر مهمی مربوط به حزب کمونیست باشد، ایشان را به مأموریت به آن کشور می‌فرستند. من ایشان را یک بار در ایروان دیدم؛ همین سه یا چهار سال قبل. آقای باگرا آساطوریان و من با یکی از دوستان ایرانی خود قهوه می‌خوردیم که ایشان آمدند. اول او را نشناختم سپس آقای باگرا مرا معرفی کرد و هر دو همدیگر را شناختم.

۲۲. حالا چه عیبی دارد که شما منکر همه چیز می‌شوید؟ حزب دانشکسیون پشتیبان ده‌ها انجمن در ایران و در جهان است و این نیروی اشراف و نیروی انسانی آن حزب را می‌رساند. انجمن شما را هم همفکران حزب توده پشتیبانی می‌کردند. حزب توده هم یک حزب کارکشته بود. به قول معروف، شترسواری که دولا دولا نمی‌شود. شما و انجمن شما سمبل آن طرفی بودن بودید. حالا اساس نامه و ملاقات با اسقف و غیره را مرتب به رخ من و خوانندگان می‌کشید؟ این چیزی را عوض نمی‌کند. شماها که تعدادتان در برابر ارامنه ارمنستان بسیار ناچیز بود. آن‌ها هم اکثر دارای کارت عضویت در حزب کمونیست بودند، حالا یا می‌گویند مجبور بودیم و یا می‌گویند آن زمان ایجاب می‌کرد که آن کارت را داشته باشیم. اساس نامه را هم زیاد به رخ کسی نکشید. دوستی داشتیم که از ابتدای آشنایی مان او را به نام پرویز می‌شناختم. یک روز پس از سال‌ها وقتی که گذرنامه ایشان را دیدم فهمیدم که اسم حقیقی ایشان محمدعلی است. تازه فهمیدم که مادرش چرا او را مملی صدا می‌کرد. پس هر آن‌چه در اساس نامه نوشته شده ملاک نیست. ما نه احتیاج داشتیم با هیأت مدیره شما ملاقات کنیم و نه ضرورت ایجاب می‌کرد چنین کارهایی کنیم. نخواستیم به تقاضای دو نفر ارمنی دلسوز جواب رد بدهیم. تمام کارها و اعلامیه‌های شما خرابکارانه و مضر بود. شما پیشنهاد کرده بودید به جای شورای خلیفه‌گری نمایندگان مجلس بیابند با انجمن اولیای دانش‌آموزان، مدارس را اداره کنند. آیا نمایندگان کلبی، زرتشتی و آشوری، گرفتاری و واجب بودن تاریخ ارمنی برای دانش‌آموزان و ضرورت تدریس دروس دینی به زبان ارمنی را

درک می‌کردند؟ به علاوه، در کجای دنیا قانون‌گذار کار اجرایی مدرسه‌داری هم می‌کند که شما پیشنهاد آن را به ما داده بودید؟ این یعنی تخریب یک سیستم آموزشی که بیش از چهل سال فعالیت کرده بود و برقراری یک سیستم انترناسیونالیستی به جای آن. اگر به این نوشته‌ها شک دارید، آمادگی داریم یک یک اعلامیه‌های انجمن شما را در مجله به چاپ برسانیم.

اگر شما یک انجمن فرهنگی هستید، با چه اجازه‌ای به وزیر آموزش و پرورش آن زمان، آقای پرورش، نامه می‌نویسید و در مقابل شورای خلیفه‌گری قرار می‌گیرید و مدعی می‌شوید. این کارها به شما چه مربوط بود؟ آقای خانننس را هم بزرگ جلوه می‌دهید. ایشان مطمئناً یک بازیچه در دست گردانندگان حزب توده ایران بود و اراده و اوامر آنان را اجرا می‌کرد.

نوشته‌اید: "سال‌های بعد شما مثل ما شدید". بنده هیچ‌وقت مثل شما نشده‌ام. من یک فرد ناسیونالیست به تمام معنا هستم. بنده اگر هم در زمان لئون پطروسیان، اولین رئیس‌جمهور ارمنستان، بین دولت جمهوری اسلامی ایران و جمهوری ارمنستان میانجی‌گری کردم، به علت رابطه غیر دوستانه حزب دانشکسیون با دولت جمهوری ارمنستان بود و من هم با طیب خاطر به خواست دولت‌مان این میانجی‌گری را انجام دادم. در اولین زیربنای ساختار روابط سیاسی و دوستی بین دو کشور ایران و ارمنستان مشارکت نمودم و از این بابت هم بسیار خوشحال و مغرورم.

۲۳. بنده در مقامی نیستم که به فکر ضعف حزب دانشکسیون در دیاسپورا باشم. آن‌ها آن اندازه سابقه سیاسی و افراد لایق دارند که خودشان ضعف‌شان را برطرف کنند. من هم هیچ‌وقت در زندگی خود نوکری کسی را نکرده‌ام.

۲۴. من مجله هویس را منتشر می‌کنم تا ارامنه ایران یک زبان گویای دیگر هم داشته باشند. پس از انتشار مجله‌های *لویس* و *هویس* و دیگر جراید، وضع اجتماعی و کارهای شواری خلیفه‌گری بسیار تغییر پیدا کرده است. من هم خود را با دوستان خود در این اصلاحات شریک می‌دانم و معتقدم این امر، هم به نفع جامعه ارامنه و هم به نفع شورای خلیفه‌گری و هم به نفع حزب حاکم است.

۲۵. به هیچ وجه قبول ندارم که سفارت جمهوری ارمنستان به لطف دو عامل، یکی دادن ساختمان خانم و آقای روزا و واهرام آواکیان به جمهوری ارمنستان، و دیگری در اختیار گذاشتن خانه دارای چهار طبقه با چهار آپارتمان برای دو سال به سفارت ارمنستان، افتتاح شده است. مسأله را آن قدر شوخی و کوچک نگیرید.

ارمنستان يك جمهوری جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی، یعنی يك پانزدهم يك ابر قدرت بود. چنین کشوری حالا برای افتتاح يك سفارت در می‌ماند؟ تأمین محل سفارت از طرف خلیفه‌گری در واقع از طرف جمیع جامعه ایرانیان ارمنی صورت گرفت. آن‌ها بسیار به‌جا عمل کردند و آن ساختمان را که هر چند کوچک، ولی خوب و زیبا بود، با تعمیرات کامل تحویل سفارت ارمنستان نمودند. اما ساختمان چهار طبقه آقای ماسیس ماتیان در واقع هشت آپارتمان بود. اجاره هر آپارتمان در آن زمان ماهیانه ۵۰۰ هزار تومان بود، یعنی ۴ میلیون تومان برای يك ماه. برای ۱۲ ماه می‌شود ۴۸ میلیون تومان. آیا يك سفارت برای دادن ۴۸ میلیون تومان در يك سال عاجز می‌ماند؟ شما آن قدر به ندادن و کمک نکردن عادت کرده‌اید که يك هدیه کوچک را، آن هم از طرف يك ارمنی وطن‌دوست که خودش هم ادعایی نداشت، مرتب مطرح می‌کنید. من در سفرهایم به ایراوان بارها ایشان را در فرودگاه دیده‌ام و با هم سلام‌وعلیک می‌کردیم. يك بار ایشان به زبان نیابورد که کیست و چه کار کرده است. روزی در سفارت سوئیس مهمان بودیم، آقای ماتیان با همسرش و دو نفر دیگر نشستند بودند. ایشان کارت کارش را داد به یکی از آن دو نفر، من هم کارت را دیدم و تازه فهمیدم ایشان آقای ماتیان است. پرسیدم با آقای آزاد ماتیان رابطه دارید؟ گفت برادرم است.

کتاب من که دائره‌المعارف نیست که من همه اتفاقاتی را که در جامعه ارمنه اتفاق رخ داده در آن بنویسم. من خوشحالم که راجع به آقای توسونیان چیزی ننوشتم. اگر هم درباره او می‌دانستم، به هیچ وجه در کتابم نام ایشان را نمی‌آوردم، زیرا از ارزش کتابم کاسته می‌شد.

۲۶. بنده با دوستانم در اداره جامعه ارمنه ایران از طریق خلیفه‌گری، آن چه را که در توان داشتیم انجام دادیم تا جایی که رگ‌های قلبم مسدود شد و

ناچار عمل جراحی قلب باز کردم.

من و دوستانم ۷۲ ماه صادقانه کار کردیم. شما که از همه چیز ایراد می‌گیرید و حالا پس از سی سال ما را محکوم به کم‌کاری می‌کنید، به جای این انتقادات (که گفتن آن‌ها خیلی آسان است)، اول انجمن خودتان را به يك انجمن نمونه تبدیل نمایید که سرمشق دیگران باشد و سپس خودتان و طرفداران‌تان را ترغیب کنید در انتخابات شورای خلیفه‌گری شرکت کنید، اکثریت را به دست بیاورند. اگر توانایی قبولاندن پیشنهادات خود را دارید، سازندگی کنید. قدرت و توانایی ما از آن چه که کردیم بیش تر نبود، بهتر از این را شما انجام بدهید.

۲۷. شما باید در نظر داشته باشید آن چه که درباره مدارس بوده و مهم بوده من به قلم آورده‌ام و بیش از آن، در کتابی که هم خواننده مسلمان و هم ارمنی دارد، تکرار مکررات ملال‌آور است.

همین اندازه در توان من بود و من هم نوشتم، امیدوارم که یکی از اعضای هیأت مدیره انجمن شما کتابی بنویسد و از ناگفته‌های من با نوشته‌های خودش کتاب پر محتواتری منتشر کند.

۲۸. من باز تعجب می‌کنم از اسم انجمن شما. با عرض معذرت، انجمن شما يك گاو پیشانی سفید بود و حتی پیرزن‌هایی که هیچ از سیاست سر در نمی‌آوردند می‌دانستند که انجمن شما به چه جریان سیاسی وابستگی دارد. شما مثل كبك سرتان را در برف فرو بردید. خودتان جایی را نمی‌دیدید و فکر می‌کردید کسان دیگر هم شما را نمی‌بینند. مرد و مردانه، یا بگوئید بودیم و خواهیم بود یا بگوئید بودیم، اما حالا مثل اتحاد جماهیر شوروی و ارمنستان شوروی تغییر روش داده‌ایم والسلام و تمام.

راجع به گروگان‌گیری هم شما چرا سنگ آقای گروگان‌گیر را به سینه می‌زنید؟ در آن روزها آقای گروگان‌گیر يك دسته‌ای را راه انداخته بود، حتی در

کار شرکت‌های ارمنی هم دخالت می‌کرد و به آن‌ها امر و نهی می‌کرد. من بیش از ۵۰ سال است که با آقای مهندس ویگن گورگیان دوست هستم. ایشان يك انسان جدی است، از دروغ‌گویی و کذب به دور است و در مسائل جامعه ارمنه هم بسیار دقیق و توانا عمل کرده است. دلیلی نداشت واقعه آن روز را وارونه تعریف کند.

من اصلا به داستان‌های داخلی احزاب و یا انجمن‌ها کاری ندارم و نداشته‌ام. در ماجرای گروگان‌گیری هم نه من و نه هیچ‌کس دیگر اسمی از انجمن شما نبرده است، چرا خودتان را این‌جوری قاطی این مسائل می‌کنید.

۲۹. وقتی که هر روز اعلامیه افراد ناآگاه و ناوارد و مغرض به دست مردم برسد که خلیفه‌گری را به دزدی ۱۵ میلیون تومان در سال متهم کنند، کار به آن‌جا می‌رسد که يك نوجوان ارمنی هم در حضور پیشوای دینی خود قاچ هندوانه را به زمین بکوبد و داد بزند که با پول دزدی خریداری شده و خوردن ندارد. بالاخره این گفته‌های توخالی و عاری از حقیقت اثر منفی روی بعضی از مردم می‌گذارد. به هر حال، باعث خوشحالی است که در حال حاضر شورای خلیفه‌گری بسیار خوب و منظم به کارهای جاری مدارس ارمنه و کلیساها و اموال خلیفه‌گری و احوال شخصی ارمنه رسیدگی می‌نماید. شما هم بدبینی را کنار بگذارید و بدانید که جامعه ارمنه هر چه دارد باید برای هر ارمنی مقدس باشد. ما با کمک همدیگر باید يك جامعه خالی از اغراض شخصی بسازیم. برای جامعه ارمنه و کشور عزیزمان ایران افراد لایق و وطن‌پرست تربیت کنیم و همگی از زندگی خود لذت ببریم.

با تقدیم احترامات  
لئون آهارونیان

